



در بخش اول و دوم، دوازده اصل از اصول تربیت را به شرح زیر معرفی کردیم: «تربیت خود قبل از تربیت متربی»، «توجه به ابعاد تربیت»، «تدریجی بودن تربیت»، «توجه به تفاوت‌های فردی» و «توجه به نقش انگیزه در تربیت»، «حفظ جایگاه مربی و متربی»، «استفاده از تشویق و تنبیه»، «هیجان و تربیت»، «داشتن ارزیابی»، «محبت، نیاز مستمر»، «اندیشه، جوهر انسانیت» و «احساس کرامت». در این نوشتار نیز به چهار اصل دیگر اشاره می‌کنیم.

### **اصل سیزدهم: توجه کردن به متربی**

منظور از «توجه»، تحسین کردن، لبخند زدن، خوب نگاه کردن و اظهار رضایت کردن مربی از متربی است. منظور از بی‌توجهی، همان قهر کردن، سرزنش کردن، محروم ساختن و به طور کلی اظهار نارضایتی از متربی است. اگر والدین و مربیان از این روش درست و به جا استفاده کنند، به آسانی می‌توانند رفتار کودک و نوجوان خود را کنترل و جهت‌دهی کنند. نیاز به توجه و محبت، یکی از نیازهای ضروری روان انسان و به ویژه کودکان است. آنان حاضرند در مقابل دریافت توجه، هر گونه تغییری را بپذیرند.

رفتارهایی چون پنهان شدن کودک هنگام مواجهه با پدر و نیز رفتارهای تخریبی مانند سر و صدا کردن، آزار و اذیت دیگران، ریخت‌وپاش در خانه و مانند آن، اغلب به قصد جلب توجه انجام می‌گیرد. اگر نیاز کودک به

توجه و محبت، توسط والدین و اطرافیان تأمین نگردد، رشد بهنجار کودک کند و یا متوقف می‌شود. رفتارهایی چون بزهکاری، دزدی، سیگار کشیدن و اعتیاد، دروغ‌گویی و امثال آن، معلول عدم توجه کافی به کودک یا نوجوان است.

### **تغییر رفتار به کمک توجه**

استفاده از «توجه» برای تغییر رفتار کودک، بسیار دقیق است، زیرا اگر درست انجام نگیرد ممکن است رفتارهای نادرست کودک را تقویت کند. برای مثال وقتی کودک به آرامی در گوشه‌ای نشسته و مشغول انجام تکالیف خود است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد، ولی به محض این که شلوغ‌کاری می‌کند، مورد توجه اطرافیان (حتی به صورت توجه منفی مثل تنبیه) قرار می‌گیرد. در این صورت می‌آموزد که تکالیف خود را کنار بگذارد و شلوغ‌کاری کند، زیرا مورد توجه قرار گرفتن را هر چند منفی و آزار دهنده باشد بر بی‌توجهی ترجیح می‌دهد. یا وقتی کودک مطلبش را به خوبی و درستی بیان می‌کند تشویق نمی‌شود ولی همین که حرف زشتی به زبان آورد، با سرزنش مورد توجه منفی قرار می‌گیرد، سبب می‌شود تا به شکل ناخودآگاه برای گفتن حرف‌های زشت تقویت گردد. برای شکل دادن و تغییر رفتار، مطلوب است که نکات زیر را رعایت کنیم:

۱. هرگاه کودک یا نوجوان، رفتار پسندیده‌ای انجام داد، با توجه و تحسین نمودن، او را در کارش تشویق کنیم و هرگاه رفتار نامطلوبی از او سر زد با بی‌توجهی خود، به طور غیر مستقیم او را نسبت به تکرار رفتارش متفر کنیم.

۲. استفاده از ابزار «توجه» مانند استفاده از پول است، پس بی‌جا و نامناسب آن را خرج نکنیم تا اثر تشویقی خود را از دست ندهد.

۳. قبل از هرگونه تشویق یا تنبیه، رفتار مطلوب و رفتار نامطلوب را دقیقاً مشخص کنیم تا برای متربی جای شک و شبهه نباشد و دچار سردرگمی نشود. کودک باید بداند کدام یک از رفتارهایش مورد تشویق یا تنبیه قرار گرفته است.

۴. مربی باید به شکل نظام‌مند به رفتارهای خوب، توجه و به رفتارهای بد بی‌توجهی کند. اما اگر رفتار نادرست هم مورد توجه قرار گیرد، مربی در شکل دادن به رفتار متربی موفقیتی کسب نخواهد کرد؛ مثلاً هنگام مواجه شدن با دروغ‌گویی یا غیبت‌کردن متربی، اگر یک بار کم‌محلی و کم‌توجهی و بار دیگر پرخاش‌گری و تند (توجه منفی) کنیم، در تغییر آن رفتار موفقیتی را به دست نمی‌آوریم.

۵. میزان توجه و محبت باید به اندازه رفتار باشد. برای مقابله با رفتارهای نامطلوب، نیز باید میزان و مدت بی‌توجهی متناسب با میزان نامطلوب بودن رفتار باشد.

۶. لازم نیست در مورد همه رفتارها برای متربی توضیح دهیم که چرا به او توجه و یا بی‌توجهی می‌کنیم؛ زیرا در برخی شرایط ممکن است این کار موجب اختلال بیشتر شود؛ و متربی برای به دست آوردن توجه با مربی چانه بزند، یا در مورد علل بی‌توجهی با مربی خود بحث و جدل کند. دلیل دیگر این که توجه یا بی‌توجهی اگر به صورت مبهم باشد، گاهی اثر بیشتری به دنبال دارد.

## اصل چهاردهم: مسالمت‌جویی

در تعامل بین مربی و متربی، گاه شرایطی پدید می‌آید که منجر به تعارض می‌شود. در چنین شرایطی رفتارهای مربی یا متربی به شکل جنگ و گریز، حمله و دفاع و یا ضربه زدن و تلافی کردن جلوه می‌کند. در این موقعیت، حتی کار خوب هر یک از طرفین به بدی تفسیر می‌شود، یعنی خیرخواهی به صورت سوء نیت، دل سوزی به شکل ترحم، و گذشت به معنای شکست و عقب‌نشینی تلقی و تفسیر می‌شود. در واقع تلاش‌های تربیتی مربی هنگام جنگ و نزاع، معنای واقعی خود را از دست می‌دهد و تربیت، اثری متضاد پیدا می‌کند. پس لازم است از ابتدا اجازه بروز شرایط جنگ و نزاع را ندهیم، و گرنه بسیاری از تلاش‌های تربیتی خنثی خواهد شد و انرژی زیادی به هدر خواهد رفت. تنها کاری که باید هنگام شعله‌ور شدن آتش جنگ و نزاع بین مربی و متربی و بین والدین و فرزندان انجام داد، این است که هرچه زودتر این تشنج و اصطکاک را خاموش کنیم و اوضاع را به وضعیت عادی برگردانیم.

### شرایط دوران تمول

کودک و نوجوان در طی تحول خویش، از مراحل می‌گذرد که به طور طبیعی گاه با آرامش و گاه با تلاطم و تضادورزی همراه است. آرام‌ترین مرحله، دوران ۶ تا ۱۱ سالگی است. اما در مراحل پیش از آن و نیز مرحله نوجوانی که از ۱۲ تا ۱۹ سالگی است، فرد رفتارهایی از خود بروز می‌دهد که می‌تواند مربی ناآشنا را به جنگ با خود بکشانند.

دوره پیش‌دبستانی که در احادیث اسلامی از آن به عنوان دوره سیادت یاد شده است<sup>۱</sup>، به دلیل این که کودک بسیاری از قواعد رفتاری را نیاموخته، نمی‌تواند به انتظارات مربی پایبند باشد، از این‌رو کودک می‌تواند سریعاً مربی خود را عصبانی و وادار به واکنش کند. هم‌چنین در این دوره کودک به دلیل خودمختاری و استقلال‌طلبی نمی‌خواهد زیر بار انتظارات مربی برود و عمداً با خواست مربی مخالفت و با او لجبازی می‌کند. اگر مربی نیز متقابلاً لجبازی کند، شرایط جنگ و ستیز را با او فراهم کرده است. انجام اعمال تلافی‌جویانه از طرف مربی سبب می‌شود تا در کودک احساس ستم‌دیدگی و بی‌مهری به وجود آید، زیرا او نمی‌تواند تنبیه مربی را ناشی از عمل لجوجانه و سرسختانه خود بداند، بلکه فقط اثر این تنبیه را بر روی خود احساس می‌کند و آن را نوعی دشمنی می‌داند و درصدد تلافی برمی‌آید.

بنابراین اگر مربی در تربیت کودک، هیجانی و عصبانی شود و پرخاش‌گری کند، اثری به مراتب بدتر به جای می‌گذارد و کودک نیز بیشتر به انجام اعمال تلافی‌جویانه تشویق می‌شود.

در دوره نوجوانی نیز رفتارهای مبارزه‌طلبانه و ستیزه‌جویانه یک بار دیگر به سراغ متربی می‌آید. نوجوان در این دوران به دلایلی چون رشد عقلی، بدنی و هیجانی و نیز به دلیل استقلال‌طلبی و خود‌پیروشدن، به راحتی نمی‌تواند از دستورهای والدین و معلمان تبعیت کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۲.

ابزار وجود و خودنمایی که از ویژگی‌های طبیعی این دوره است، در نظر مربی ناآشنا، به شکل لجاجت و خودسری و مخالفت تجلی پیدا می‌کند. مربی از ترس این که مبادا متربی بر وی تسلط یابد، با کوچک‌ترین رفتارهای خودسرانه نوجوان شدی‌دأ مبارزه می‌کند، که ثمری جز شدت گرفتن لجاجت نوجوان را ندارد و به صورت جنگ و ستیز طرفینی در می‌آید. اما مربی آگاه سعی می‌کند تا رفتارهای نوجوان خود را درک کند و آن‌گونه که پیامبر خدا(ص) فرمود، او را در موضع مشاور و وزیر خود قرار دهد، تا از این طریق هم خود را به منصفه ظهور برساند و هم با متربی احساس هم‌دلی و هم حسی بیشتری داشته باشد.<sup>۱</sup>

### بی‌ماری

برخی کودکان و نوجوان در جریان رشد، دچار اختلالات روانی می‌شوند و این اختلال یا بیماری، رفتارهای آنان را برای اطرافیان غیر قابل تحمل می‌کند. این دسته از اختلالات وقتی به صورت یک بیماری در نظر گرفته نشود، اغلب به صورت آزار و اذیت عمدی و اختیاری تلقی شده و موجب می‌شود که مربی به شکل مستمر با متربی درگیری شود. در حالی که این گونه رفتارهای آزاردهنده، عمدی نیست بلکه به دلیل بیماری است و تنها کاری که می‌توان برای بهبود مشکلات رفتاری این گونه کودکان و نوجوانان انجام داد این است که به آنان به عنوان بیمار نگاه شود و با مراجعه به متخصص، چگونگی برخورد با آن‌ها را آموخت.

### اصل پانزدهم: راستی و راست‌گویی

یکی از ابعاد مهم وجود انسان، بعد اخلاقی اوست که در تربیت باید به پرورش آن توجه ویژه نمود. در میان صفات اخلاقی گوناگون، صدق و راست‌گویی اهمیت ویژه‌ای دارد، چون راست‌گویی زیربنای شناخت واقعیت و زندگی واقع‌بینانه است.

اگر کودک از والدین یا مربیان خود دروغ بشنود یا در اعمال و رفتارشان دروغ ببیند، در شناخت واقعیت دچار انحراف می‌شود و نمی‌تواند تصویر درستی از خود و زندگی در ذهن خود به وجود آورد. چنین فردی دنیا را جای کلک‌زدن، فریب‌کاری و وارونه‌کردن حقایق می‌پندارد و قادر نیست زندگی سالم و سازنده‌ای با دیگران داشته باشند.

رابطه بین راست‌گویی و تربیت نیز در روایات بیان شده است. امام کاظم(ع) در این‌باره فرمود: «من صدق لسانه زکی عمله؛<sup>۲</sup> هر کس راست‌گو باشد، اعمالش پاک و درست می‌گردد.» پس تزکیه نفس مشروط به راست‌گویی است. امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «الصدق اقوی دعائم الدین؛<sup>۳</sup> راست‌گویی قوی‌ترین پایه دین است.» در حدیث دیگری فرمود: «الصدق راس الدین؛<sup>۴</sup> راست‌گویی به منزله سر برای دین است.» این تعابیر حکایت از آن دارد که جایگاه راست‌گویی در تربیت و دین‌داری بسیار مهم است به طوری که اگر راست‌گویی را از اعمال انسانی

۱. همان.

۲. بحار، ج ۷۸ ص ۳۰۳.

۳. همان، ج ۷۱، ص ۳.

۴. غررالحکم و دررالحکم.

برداریم، انسجام اخلاقی خود را از دست خواهند داد. و اعمال فرد تابع هیچ قاعده‌ای نخواهد بود و هر زمان که مصلحت شخصی ایجاب کند، اعمالش را مطابق آن تغییر می‌دهد.

## آثار دروغ

۱. **تضعیف جایگاه مربی:** وقتی والدین و مربیان، خود اهل دروغ باشند، جایگاه تربیتی خود را نزد کودک از دست می‌دهند و دیگر نمی‌توانند الگوی تربیتی خوبی برای کودک خود باشند.

۲. **شکل نگرفتن «وجدان»:** اگر به کودک دروغ گفته شود، به تدریج به این باور می‌رسد که دیگر هیچ موضوع اخلاقی وجود ندارد و انسان آزاد است که هر کاری را به مصلحت خود انجام دهد. در نتیجه «وجدان» که نیرومندترین مانع انسانی برای جلوگیری از انحراف است، شکل نمی‌گیرد.

۳. **ترس و اضطراب:** کسی که به دروغ‌گویی عادت کرده است، از این که روزی دروغ‌هایش افشا شود، دائماً در حال ترس و اضطراب و فشار روانی است.

## اصل شانزدهم: توجه به انواع رفتار

یکی از اشتباهات رایج برخی مربیان، تقسیم رفتار کودکان به دو بخش مجاز و غیر مجاز است. به طوری که مجاز را تشویق و غیر مجاز را تنبیه می‌کنند. اگر با کودک این گونه رفتار شود، برای او هیچ اختیاری در انتخاب رفتار باقی نمی‌ماند، یعنی دائم باید نگاهش به مربی و والدین باشد و منتظر امر و نهی آنان بماند؛ که نتیجه‌ای جز از بین رفتن اعتماد به نفس و انگیزه پیشرفت ندارد.

## انواع رفتار:

۱. **مجاز:** رفتارهایی مثل درس خواندن، غذا خوردن، ورزش کردن، نماز خواندن، رعایت حجاب و... که فرزند، خود مایل به انجام یا ترک آن است و والدین یا مربیان هم با آن موافقت، جزو رفتارهای مجاز هستند. وظیفه مربی در قبال این گونه رفتارها این است که بی تفاوت نباشد و نگوید فرزندم وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و نیازی به تشویق ندارد، بلکه باید او را تشویق کند تا این روند تداوم یابد، زیرا انسان برای انجام هر کاری علاوه بر توان جسمی، نیاز به انرژی روانی هم دارد. ما باید انرژی روانی فرزندانمان را با تشویق به موقع آن‌ها تأمین کنیم.

۲. **غیر مجاز:** اعمالی مانند: سیگار کشیدن، ترک نماز، تماشای فیلم‌های ضد اخلاقی، پرسه زدن در خیابان، شب دیر به منزل آمدن و... که فرزند تمایل به انجام یا ترک آن دارد، ولی والدین به شدت با آن مخالفند، رفتارهای غیرمجاز به حساب می‌آیند. در این گونه رفتارها، مربی کوتاه نمی‌آید و با آن به طور جدی رفتار می‌کند.

۳. **نیمه مجاز:** اعمالی مانند استفاده از غذای خاص، رعایت نکردن نکات بهداشتی همچون مسواک زدن یا شستن دست‌ها با صابون، مطالعه کتاب‌های غیر درسی، آمدن یا نیامدن به مهمانی خاص و... که کاملاً مطابق میل والدین نیست، ولی بدی آن به اندازه‌ای نیست که فرزند را ملزم به ترک یا انجام آن کنند، رفتارهای نیمه مجاز هستند. وظیفه والدین و مربیان در قبال این رفتارها این است که موضع خود را صریحاً اعلام کنند، ولی به کودک اجازه

دهند خود انتخاب کند. این آزادی عمل به کودک کمک می‌کند تا او با اختیار خود تجربه کند و به درستی یا اشتباه رفتار خود پی ببرد.

نوع سوم رفتار نقش بسیار مهمی در تربیت دارد، زیرا سبب می‌شود تا کودک به احساس هویت و استقلال دست یابد. حال اگر کودک آزادی و استقلال در انتخاب رفتار نداشته باشد و همان طور که گفتیم، خود را محصور در «امر» و «نهی» ببیند، به یکی از این دو نتیجه خواهد رسید: یا دچار تضاد ورزی و لجاجت و عصیان می‌شود، یا به موجودی ضعیف و توسری خور تبدیل می‌شود که دائم منتظر فرمان است.

### **پند نکته:**

۱. خانواده نسبت به نوع تربیت و فرهنگ حاکم بر آن، در ملاک تقسیم اعمال به این سه بخش با خانواده دیگر متفاوت است. شاید یک رفتار در فرهنگ یک خانواده نیمه مجاز و در خانواده دیگر غیر مجاز یا مجاز باشد. در خانواده‌های مذهبی، ملاک و معیار در تقسیم بندی دستورات شرعی، قانونی و مدنی است.

۲. یک عمل در مجاز، نیمه مجاز یا غیر مجاز بودنش، بستگی به سن، میزان تحول و رشد روانی و عقلی کودک نیز دارد. کودکان در ابتدای تولد تقریباً همه اعمالشان مجاز است، ولی کم‌کم برخی اعمال، نیمه مجاز و حتی غیر مجاز می‌شود. برای مثال، عمل دفع کودک چنین تحولی را طی می‌کند. والدین باید دقیقاً بدانند که چه زمانی یک رفتار از حیطة مجاز به نیمه مجاز یا غیر مجاز وارد می‌شود.

ملاک تقسیم بندی باید به تدریج از ملاک‌های بیرونی و اجتماعی به ملاک‌های درونی تبدیل شود، یعنی مربی که در ابتدا منتظر بود تا والدین و مربیان، حیطة‌های رفتاری را برای او مشخص کنند، و به او یاد بدهند که کدام عمل مجاز و کدام نیمه مجاز یا غیر مجاز است، در تحول جدید به این توان‌مندی و معرفت می‌رسد که خود تشخیص دهد.

۳. سهم هر یک از این سه بخش نیز بستگی به تحول و رشد عقلانی کودک دارد. کودکان دبستانی بیشتر مایلند محدوده رفتارهای نیمه مجاز آنها کم و محدود باشد؛ یعنی بیشتر دوست دارند اطرافیان برای آنها تصمیم بگیرند تا خودشان، در حالی که نوجوانان مایلند که حیطة رفتارهای نیمه مجاز آنها بیشتر از سایر حیطة‌ها باشد تا آزادی عمل و انتخاب بیشتری داشته باشند.

۴. برای آشنایی کودکان با این سه حیطة تربیت (مجاز، نیمه مجاز، غیر مجاز)، لازم است از روش‌های تربیتی متناسب استفاده کنیم. برای این که کودک بفهمد که رفتاری در حیطة غیر مجاز قرار دارد، نباید با خشونت به او فهماند. راه‌حل فقط قاطعیت همراه با حفظ خون‌سردی و آرامش است؛ مثلاً اگر حرف زشتی به زبان می‌آورد، نباید با کتک زدن او را متوجه زشتی سخنش کرد، بلکه باید با توضیح دادن و تأکید و درخواست جدی، به او آگاهی لازم را داد، تا بفهمد شما به شدت از چنین رفتاری متنفرید.

**پایان**

### **منابع:**

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی ۱۳۷۸.
۲. احمدی، علی اصغر، اصول تربیت، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان تهران، ۱۳۸۷.

۳. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم، ۱۳۸۰.
۴. کلینی، محمد یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
۵. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.